



## بررسی ساختار آغازگری در خطبه‌ی جهاد نهج البلاغه براساس فرانقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا

محمدعلی عرب‌زوزنی<sup>۱\*</sup>، محمدرضا پهلوان‌نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

### چکیده

بی‌شک نهج البلاغه امیرمؤمنان علی(ع) با وجود خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار خود به حق می‌تواند کتاب راه زندگی بشر باشد و این امر دلیل اهمیت تعمق و تدبر در آن است. از این‌رو، با عنایت به اهمیت به‌کارگیری نظریات علمی در فهم بهتر متن نهج البلاغه، این پژوهش به تحلیل خطبه جهاد براساس فرانقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا از منظر ساختار آغازگری پرداخته است. ابتدا تمامی ۹۹ بند آن تجزیه و بخش آغازگر و پایان بخش هر بند مشخص شد. نتایج این بررسی‌ها نشان داد ۷۰ درصد از بندهای این خطبه با آغازگر مرکب شروع شده و این انتخاب به ایجاد پیوستگی در متن کمک کرده است، به طوری که انتخاب آغازگر در چند بند مبین حفظ و یا امتداد موضوع بوده و در مواردی نیز به‌کارگیری آغازگری خاص، زمینه فهم و تفسیر بند یا بندهای بعدی را فراهم نموده است. نقش برخی آغازگرها نیز در مشخص کردن مرز بخش‌های مختلف خطبه و حرکت از یک موضوع به موضوع دیگر بارز است. علاوه بر این موارد، مشخص شد آن حضرت در این خطبه در برخی از بندها از آغازگری استفاده کرده که از دید ایشان می‌توانسته است نقطه‌ی شروعی ماندگار، مفید و مهم از پیام باشد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند دلیلی مستند بر سخنوری بی‌همتای علی(ع) باشد.

**کلید واژه‌ها:** نظریه نظام‌مند نقش‌گرا، فرانقش متنی، ساختار آغازگری، پایان بخش

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استاد گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

\*: نویسنده مسئول

## مقدمه

نگاه علمی به متون مذهبی از دیر باز مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. زبان‌شناسان مسلمان (و گاهی غیرمسلمان) نیز نگاه ویژه‌ای به قرآن، ادعیه و کتب مقدس اسلامی داشته‌اند؛ به طوری که از آن مکاتب مختلف زبان‌شناسی چون مصری، بصری و کوفی و شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی چون فقه‌اللغه، علم‌اللغه، علم‌اللسان و... حاصل شده است؛ اما "صبغه عام کتاب‌های پیشینیان در زبان و مباحث زبانی، بررسی واژگان، نکات دستوری و گاه معناشناسی بوده است (سیدی، ۱۳۸۷: ۴۱)". زبان‌شناسان و محققین مذهبی از ظرفیت نظریات علمی موجود به منظور فهم و تفسیر بهتر منابع مذکور کمتر بهره جستند و به نظر می‌رسد دیدگاه‌هایی علمی که در این زمینه در کمتر از صد سال اخیر ظهور و رشد کرده‌اند، می‌توانند کمک خوبی را به این اندیشمندان بکنند.

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم درباره زبان دو نگرش عمده و البته متضاد رشد کرد. یک نگرش که مبتنی بر تبیین صوری زبان است و زبان را پدیده‌ای فردی و ذهنی می‌داند؛ چامسکی با دستور زایشی<sup>۱</sup> خود یکی از نمایندگان این نگرش صورت‌گرایانه<sup>۲</sup> است. نگرش دوم زبان‌شناسی سیستمی - نقشی<sup>۳</sup> است که مبتنی بر تبیین نقش بوده و زبان را پدیده‌ای برون‌فردی و اجتماعی می‌داند؛ هلیدی با ارائه دستور نقش‌گرای نظام‌مند نماینده اصلی این نگرش شناخته می‌شود.

"دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی از دل مطالعات اجتماعی و مردم‌شناختی سر برآورده است (شریف‌زاده و ابراهیمی، ۱۳۸۴)". هلیدی بر پایه‌ی این رویکرد هدف اصلی زبان را انتقال معنی دانسته و معتقد است گویشوران متن را جهت انتقال معنی می‌سازند؛ یعنی در کنش زبانی، تبادل اصوات، کلمات یا جملات مدنظر نیست، بلکه رد و بدل کردن معنا چیزی است که اهمیت دارد (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۰).

بر این اساس ویژگی‌های بنیادی معنا در زبان همان ویژگی‌ها و محتویات نقشی‌اند که هلیدی آنها را *فرانقش* می‌نامد. به طور کلی واحدهای زبانی در این دستور چند نقشی هستند به طوری که هلیدی سه نوع فرانقش اصلی را در رویکرد نظام‌مند نقش‌گرای خود مدنظر قرار می‌دهد که عبارتند از: *فرانقش اندیشگانی* (تجربی)<sup>۴</sup>، *فرانقش بینافردی*<sup>۵</sup> و *فرانقش متنی*<sup>۶</sup>. *فرانقش اندیشگانی* به معنای استفاده از زبان برای بیان تجربیات هم از جهان بیرون و هم از جهان درون می‌باشد و در آن محتوی پیام مورد توجه است. *فرانقش بینافردی* به برقراری، استمرار، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی مربوط می‌شود و تعامل افراد درگیر در ارتباط زبانی را مدنظر دارد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۵۳).

*فرانقش متنی* در واقع کاربرد زبان برای تولید متون گفتاری یا مکتوب است. این فرانقش بر جایگاه و محل استقرار عناصر محتوایی بند استوار است. به عبارتی دیگر، "بر چگونگی ترتیب و آرایش اطلاعات

1. Generative Grammar
2. Formalism
3. Systemic. Functional
4. Ideational (Experiential) Metafunction
5. Interpersonal Metafunction
6. Textual Metafunction

اندیشگانی و بینافردی که در بند آمده‌اند مبتنی است" (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۵۴). هلیدی ساخت متنی بند را به دو ساخت متمایز «آغازگر<sup>۱</sup>/پایان بخش<sup>۲</sup>» و «ساخت اطلاعی<sup>۳</sup>» و یک بخش غیرساختاری یعنی «انسجام<sup>۴</sup>» تقسیم می‌کند. ساختاری که لایه معنایی بند را در خود دارد ساختار آغازگر نامیده می‌شود. به‌طور کلی "آغازگر سازه‌ایست که به‌عنوان نقطه عزیمت کلام در نظر گرفته می‌شود، بقیه بند پایان‌بخش نامیده می‌شود" (هلیدی، ۲۰۰۴: ۶۴).

براساس اولویت‌هایی که برای گوینده (یا نویسنده) مطرح است، او چینی‌ش موردنظر خود را برمی‌گزیند تا بدین طریق معنای مدنظر خود را برجسته سازد (عاصی و نوبخت، ۱۳۹۰). براساس چینی‌ش انتخابی می‌توان فهمید موضوع اصلی بند چیست و نقطه‌ی آغاز پیام کدام بخش است. علاوه بر این "انتخاب آغازگرها در یک متن به همدیگر کمک می‌کنند تا پیوستگی<sup>۵</sup> متنی حاصل شود" (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۴۱). یافته‌های علم زبانشناسی تاکنون چندان در راستای تحلیل متن نهج البلاغه مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بسیاری از محققان به‌منظور بهره‌گیری از کلام حضرت علی(ع) به تحلیل و تفسیر نهج البلاغه پرداخته‌اند اما ایشان عمدتاً به بررسی معانی جملات، واژگان و اصطلاحات آن پرداخته و یا با نگاهی تحلیلی تاریخی به شرح خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه همت گماشته‌اند (فیض الاسلام، ۱۳۵۲: دامغانی، ۱۳۷۰: شهیدی، ۱۳۸۴: انصاری، ۱۳۸۴ و ...). در همین راستا، غالب شرح و تفسیرهای خطبه جهاد نیز به بیان سابقه تاریخی آن و دلیل ایراد آن از سوی حضرت علی(ع) پرداخته و کمتر به شیوایی کلام امیرالمؤمنین که به‌دلیل انتخاب عالمانه تک‌تک واژه‌های این متن حاصل شده است، توجه نموده‌اند. در نگاهی متفاوت، این مطالعه قصد دارد از منظر ساختار آغازگری<sup>۶</sup> بر پایه فرانش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا به تحلیل خطبه مذکور بپردازد و نشان دهد چگونه انتخاب آغازگرها به ایجاد متنی منسجم انجامیده و باعث شده‌اند تا:

- ۱- موضوع پیام برخی از بندهای این خطبه در بند(های) دیگر حفظ<sup>۷</sup> شود یا با استفاده از پایان بخش یک بند به‌عنوان آغازگر بند(های) بعدی به بسط<sup>۸</sup> موضوع انجامد.
- ۲- تشخیص یا تغییر چهارچوب برای تفسیر بند(های) بعدی اتفاق افتد.
- ۳- مرز قسمت‌های مختلف متن مشخص شود.
- ۴- آنچه از نظر گوینده مهم می‌نماید برجسته گردد.

1. Theme
2. Rheme
3. Information Structure
4. Cohesion
5. Coherence
6. Thematic Structure
7. Maintenance
8. Progression

بدین منظور ابتدا تمامی ۹۹ بند این خطبه براساس ساختار آغازگری تحلیل شده و نوع آغازگر هر بند (مرکب یا ساده) مشخص شد. سپس چهار نقش فوق‌الذکر که به انسجام متن کمک می‌کنند (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۴۱-۱۴۲)، به صورت جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

### پیشینه‌ی تحقیق

بررسی‌های محققین نشان می‌دهد که هر چند مطالعات گسترده‌ای در به‌کارگیری دستور نظام‌مند در تحلیل متون مختلف انجام گرفته است (رستم‌بیک‌تفرشی، رضانی و اسوکلایی، ۱۳۹۰؛ کاظمی و افراشی، ۱۳۹۲؛ پهلوان‌نژاد و عرب‌زوزنی، ۱۳۹۲؛ امینی، ۱۳۹۲؛ عاصی و نوبخت، ۱۳۹۰ و ...)، بررسی متن نهج‌البلاغه و تحلیل بندهایی از آن براساس ساختار آغازگری تاکنون مورد توجه نبوده است. برخی تحقیقات که براساس این رویکرد به تحلیل متون مذهبی پرداخته‌اند، عمدتاً متوجه قرآن کریم بوده و یا جنبه‌های دیگری از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی را مدنظر قرار داده‌اند. نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها به شرح زیر است:

ایشانی و نعمتی‌قزوینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود به بررسی پیوستگی و انسجام در صوره صف پرداخته و مدعی شده‌اند که این سوره با وجود داشتن تنوع مضمون از پیوستگی و انسجام بالایی برخوردار است. با تفسیر زبان‌شناختی سوره‌ی عصر (احمدزاده، ۱۳۸۷: ۳۵-۱۹) تلاش کرده است نکات جدیدی را درباره معنی‌شناسی این سوره از جمله ارتباط عاشقانه انسان با خدا و دیگر انسان‌ها، بازتاب جهان‌گوینده و شنونده و خواننده، تقدم و تأخر حساب‌شده واژه‌های متن سوره، پیوند اسرارآمیز اطلاع‌کهنه و نو و استفاده از انواع گونه‌های پیوستگی و ارتباط سلسله‌وار معانی و ... را ارائه کند.

حری (۱۳۸۸) نیز کارکرد تصریف دو سوره قرآنی «ص» و «حجر» که ناظر بر داستان آفرینش هستند را، در پرتو فرا- نقش متنی هلیدی بررسی نموده و ادعا می‌کند اطلاعات گفتمان در این دو سوره به‌گونه‌ای کارآمد ساختاربندهی شده‌اند، که هرچند برخی الفاظ عیناً تکرار می‌شوند؛ اما نحوه‌ی ارائه اطلاعات کاملاً بدیع و تازه است و او این را تصریف قرآنی می‌خواند. مسبوق و بیات (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به بررسی روابط بینا متنی قرآن و نامه‌ی سی‌ویکم نهج‌البلاغه پرداخته و ادعا می‌کنند بیشترین رابطه به صورت نفی متوازی بوده که به‌منظور درک متن پنهان، به خوانش آگاهانه و عمیق نیازمند است.

دلشادتهرانی (۱۳۹۲: ۲۷-۱۹) به بررسی صنایع ادبی در نهج‌البلاغه پرداخته و نمونه‌های از سجع، تشبیه، استعاره و کنایه را از آن استخراج نموده و ادعا می‌کند که این "صنایع چونان آبی روان و درخشان جاری در جویبارهای زیبا و سیراب‌کننده کام تشنگان معرفت و حقیقت و از عوامل شگفتی کتاب نهج‌البلاغه هستند". اوسط ابراهیمی (۱۳۷۹: ۳۳۲-۳۲۱) نیز انواع گوناگونی از سجع، تضاد، تشبیه، استعاره و کنایه را از نهج‌البلاغه استخراج نموده و به عظمت این اثر، با استناد به فرمایش تنی چند از بزرگان تأکید کرده است. بهنام (۱۳۸۱: ۷۹-۶۱) نیز تحلیلی زبان‌شناختی از گزیده‌هایی از کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه را ارائه نموده و اصول مهم زبان‌شناسی متن مدار، یعنی پیوستگی متنی و

توازن<sup>۱</sup> را مدنظر قرار داده و سعی کرده است براساس رویکرد نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، حقیقت معنوی عبارت نهج‌البلاغه که همان روش زیبای سخن گفتن است را در نمونه‌های سخن حضرت نشان دهد.

### مبانی نظری و روش تحقیق

رویکرد نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی دنباله مکتب لندن بوده و عمدتاً بر نظریه نظام ساخت فرث<sup>۲</sup> مبتنی است و از برخی ایده‌های مکتب پراگ<sup>۳</sup> نیز بهره می‌برد (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در این دیدگاه، زبان و سایر نظام‌های نشانه‌شناسی به‌عنوان شبکه‌ای از انتخاب‌های به‌هم مرتبط تفسیر می‌شوند (هلیدی، ۱۹۹۴: XIV) و سه سطح معنایی، دستور- واژگانی، و واج‌شناسی برای آن قائل می‌شوند. هلیدی زبان را ابزار انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه دانسته و در نتیجه آن را نهاد اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی می‌داند (مهاجر، ۱۳۷۶: ۱۸). در این نظریه، بافت با مفهوم گونه کاربردی یعنی گوناگونی زبان با توجه به کاربرد، معنا می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴۴). متغیرهای زبانی یک بافت شامل حوزه کلام<sup>۴</sup>، فحوای کلام<sup>۵</sup> و شیوه کلام<sup>۶</sup> است. تشخیص و شناسایی این سه متغیر بافتی اتفاقی نیست زیرا هریک از آن‌ها بیانگر یک نوع معنی و در نتیجه یک نوع فرانش زبانی‌اند. هلیدی مجموع نقش‌های زبانی را در سه فرانش اصلی تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی جمع‌بندی می‌کند. اساس فرانش بینافردی ارتباط زبانی است، یعنی برقراری تعامل دوسویه در جهت ایجاد روابط مناسب اجتماعی. آنچه بین دو طرف رابطه ردوبدل می‌شود یا اطلاعات<sup>۷</sup> است یا امکانات و تسهیلات<sup>۸</sup>. هلیدی معتقد است که [بخشی از] بند باید کار انتقال و دریافت معنی را بین تعامل‌کنندگان زبانی را بر عهده داشته باشد. لذا "نظام‌های واژی- دستوری ای وجود دارند که ما با تکیه بر آنها، پیام خود را به نحوی بیان می‌کنیم که شنوندگان ما شانس خوبی را داشته باشند تا دلیل آنچه را به آنها می‌گوییم بفهمند" (تامسون، ۱۹۹۶: ۳۹).

براساس فرانش تجربی، زبان، درک و دریافت ما از واقعیت و در نتیجه تجربیات ما را سازمان‌بندی می‌کند؛ هم تجربیات عینی و هم تجربیات ذهنی. این فرانش جهان‌بینی گوینده (یا نویسنده) را منتقل می‌کند و تجربه و رویکرد او را نسبت به جهان خارج انتظام می‌بخشد (فالر، ۱۳۸۱). لذا بیشتر محتوی پیام مدنظر است تا هدفی که گوینده از بیان آن داشته است (تامسون، ۱۹۹۶: ۷۶).

فرانش متنی در واقع کاربرد زبان برای تولید متون گفتاری یا مکتوب است. زبان میان خود و بافت ارتباط برقرار می‌کند تا با تناسب بافتی که در آن جاری می‌شود و با توجه به ویژگی‌های مترتب بر آن

1. Parallelism
2. Firth Systemic Structure Theory
3. Prague School
4. Field of discourse
5. Tenor of discourse
6. Mode of discourse
7. Information
8. Goods and Services

بافت متن آفرینی کند. این کارکرد بیانگر مدخلیت<sup>۱</sup> کلام، هم با بافت زبانی پیش و پس خود (co-text)، و هم با بافت موقعیتی است و بر چگونگی ترتیب و آرایش اطلاعات اندیشه‌پردازی و بینافردی موجود در متن مبتنی است. اینجا نظام معنایی به گوینده (یا نویسنده) اجازه می‌دهد که معنا را به منزله متن ساختاردهی و هر عنصر را به منزله تکه‌ای از اطلاعات سامان‌بندی کرده و به‌طور معناداری با آنچه پیشتر بیان شده است مرتبط می‌سازد (هلیدی، ۱۹۸۵).

"وقتی به زبان از منظر فرانقش متنی نگاه می‌کنیم، سعی می‌کنیم بفهمیم چگونه گویندگان زبان پیام خود را به نحوی شکل می‌دهند که در رخدادهای آشکار زبانی به نحو مناسبی جلوه کنند" (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۱۷). هلیدی سه روش عمده را برای شکل‌دهی معنای متن مدنظر قرار می‌دهد: تکرار<sup>۲</sup>، ادات ربط<sup>۳</sup> و ساختار آغازگری<sup>۴</sup>. تکرار می‌تواند لغوی یا دستوری باشد و تکرار دستوری یا به شکل ارجاع<sup>۵</sup> و یا حذف<sup>۶</sup> نمود پیدا می‌کند. در یک نگاه کلی نقش کلمات ربط نیز تلفیق دو عنصر زبانی به‌صورت یک واحد معنایی مرکب و بالقوه همگون می‌باشد و در سه سطح درون بند، بین بندها و بین بندهای جملات مرکب قابل بررسی است. تکرار و کلمات ربط بیشتر عامل ایجاد متنیت<sup>۷</sup> در متن هستند - قابلیت که یک متن را به هم بسته ببینیم، نه مجموعه‌ای از کلمات و بندهای غیرمرتبط. از این ویژگی عمدتاً تحت عنوان انسجام متنی یاد می‌شود؛ در حالی که پیوستگی را یک پدیده ذهنی می‌دانیم که برخلاف انسجام، با استفاده از عناصر زبانی قابل شناسایی و شمارش نیست.

آغازگری از این جهت که مربوط به چگونگی بیان عناصر زبانی نبوده بلکه به چگونگی شکل‌گیری ساختار بند مربوط است، از دو نوع دیگر متمایز است. آغازگری را (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۸) به‌عنوان نقطه عزیمت پیام تعریف می‌کند؛ نقطه شروع پیام و چیزی که بند بر پایه‌ی آن استوار است. و آغازگر اصلی - تجربی - باید شامل عنصری باشد که در ساختار تعدی<sup>۸</sup> نقش داشته باشد، یعنی یا فرآیند<sup>۹</sup>، یا مشارکین فرآیند<sup>۱۰</sup> و یا عناصر پیرامونی فرآیند<sup>۱۱</sup> باشد (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۳۶). فرآیند با گروه فعلی نمود پیدا می‌کند و عضو مرکزی پیام است (مثلاً: ضرب، منع، اغزو، و...). شرکت‌کننده(ها) نیز به‌طور طبیعی در گروه اسمی نمود می‌یابد (مثلاً: الرجل، خیل، انتم، و...). نمود عناصر پیرامونی فرآیند نیز عمدتاً به‌صورت گروه قید و عبارات حرف اضافه‌ای است (مثلاً: قبل، اذ، حتی، و...). بنابراین در صورتی که قبل از هر یک از این موارد سه‌گانه مذکور عنصر یا عناصر زبانی دیگری قرار گرفته باشد، یا آغازگر متنی (مثلاً well،

1. Relevance
2. Repetition
3. Conjunction
4. Thematic Structure
5. Reference
6. Ellipsis
7. Texture
8. Transitivity Structure
9. Process
10. Participants
11. Circumstance

however, but) و یا آغازگر بین فردی (مثلاً unfortunately, oddly و ... ) خواهد بود و تشکیل آغازگر مرکب خواهند داد. در زبان عربی نیز برخی عناصر چون "ف"، "و"، و ... به عنوان آغازگر متنی و عناصری از جمله "ان"، "ما"، "قد"، و ... به عنوان آغازگر بینافردی، همراه آغازگر تجربی آمده و تشکیل آغازگر مرکب را می دهند. مثال:

" و / لا / اریق لهم دم " و یا " و / لقد / بلغنی "  
 متنی / بینافردی / تجربی      متنی / بینافردی / تجربی

در این نظریه، بسته به وجه بند، آغازگرهای تجربی بی نشان مشخص می شوند و هرچه غیر از آن به عنوان آغازگر بیاید نوع نشاندار خواهد بود. در زبان انگلیسی، آغازگر بی نشان بند خبری گروه های اسمی در نقش فاعل، در بند پرسشی بله / خیر، فاعل به علاوه عامل زماندار، در بند پرسشی پرسش واژه ای خود سازه حاوی پرسش واژه، در بند امری فعل به تنهایی و در حالت منفی همراه با Don't و نهایتاً در بندهای تجربی گروه اسمی یا قیدی در نقش عناصر تجربی می باشد.

در انگلیسی گوینده (یا نویسنده) از برخی ساختارهای خاص برای ایجاد نقطه شروع پیام استفاده می کنند. یک نمونه آن ساختار شبه اسنادی<sup>۱</sup> می باشد. این نوع ساختار برای سمت دهی به ذهن شنونده یا خواننده استفاده می شوند. مثلاً:

What I want to say is that you should try more.

پایان بخش آغازگر

نمونه ی دیگر آن، ساختار آغازگر اسنادی شده<sup>۲</sup> می باشد که در آن گوینده یک عنصر زبانی را انتخاب می کند و آن را در جایگاه آغازگری مورد تأکید قرار می دهد.

It is not the technology which is wrong      مثال:

پایان بخش آغازگر

استفاده از آغازگر در هر بند می تواند دلیل خاص خود را داشته باشد. اگر با نگاهی فراختر علت انتخاب آغازگر را در بندهای متن که به همدیگر در ایجاد پیوستگی متنی کمک کنند نگاه کنیم، در یک دید کلی چهار نقش مرتبط به هم را می توانیم دلیل انتخاب آغازگر در این زمینه در نظر بگیریم: نشان دادن حفظ یا بسط موضوع، تعیین یا تغییر چهارچوب برای تفسیر بند(های) بعدی، نشان دادن مرز بخش ها در یک متن و نشان دادن چیزی که از دید گوینده نقطه شروع ماندگار، مهم و مفید می باشد (تامسون، ۱۹۹۶: ۱۴۲-۱۴۱).

بر این اساس، در این تحقیق ابتدا تمام بندهای خطبه ی جهاد نهج البلاغه بر اساس ساختار آغازگری و پایان بخشی تحلیل شده و آن گاه سعی شده است نشان دهد چگونه چهار نقشی که در این دیدگاه از یک منظر دلیل انتخاب آغازگر معرفی شد، به پیوستگی متن خطبه جهاد نهج البلاغه کمک کرده اند. این نقش های آغازگر عبارتند از:

1. Thematic Equatives
2. Predicated Theme

- ۱- نشان دادن حفظ یا بسط موضوع به وسیله آغازگر: این کار با انتخاب فاعل به عنوان آغازگر بی نشان اتفاق می افتد به طوری که "حفظ"، با استفاده از آغازگر یکسان با بند(های) قبلی و "بسط"، با انتخاب جزئی از پایان بخش بند قبلی به عنوان آغازگر بند بعدی اتفاق می افتد. مثلاً در "ان الرجل منهم كان يدخل على المراه المسلمه و(ان الرجل منهم كان يدخل على) الاخرى المعاهده"، حفظ موضوع با استفاده از آغازگر یکسان بین دو بند اتفاق افتاده است. یا در "لوودت اني لم اركم و (اني) لم اعرفكم"، "انی" که جزئی از پایان بخش بند اول است در بند بعدی آغازگر بوده و بسط موضوع را باعث می شود.
- ۲- مشخص کردن و یا تغییر چهارچوب برای تفسیر بند(های) بعدی: این کار در انگلیسی با استفاده از آغازگر نشان دار، آغازگر شبه اسنادی، آغازگر اسنادی شده و یا استفاده از فاعل سنگین (مثلاً: a keen interest in the environment)، به عنوان آغازگر انجام می شود. در خطبه جهاد نهج البلاغه به عنوان مثال، در "ف(انتم) تو اکلتم و (انتم) تخاذلتم حتی شنت علیکم الغارات، و ملکت علیکم الاوطان"، آغازگر نشاندار "حتی" تفسیربندی را نشان می دهد که نتیجه پیام دو بند قبلی است.
- ۳- مشخص کردن مرز قسمت های مختلف متن: با تغییر در نوع آغازگرها می توان تغییر موضوع مورد بحث را مشخص کرد. استفاده از آغازگرها تجمیعی<sup>۲</sup> (مثلاً: همه آنچه گفتیم) و آغازگرهای ارزیابی کننده<sup>۳</sup> (مثلاً: با نگاه خوشبینانه)، می توانند از آن جمله باشند. در بندهای "کل هذا (کان) فرار من الحرو (کل هذا کان فرار من) القر"، آغازگر "کل هذا" از نوع تجمیعی است و به جمع بندی پیام بندهای قبل از خود می پردازد.
- ۴- نشان دادن آنچه که گوینده فکر می کند یک نقطه شروع ماندگار، مهم و مفید خواهد بود. این کار با انتخاب مکرر یک عنصر به عنوان آغازگر (یک مشارک خاص، ارزیابی نویسنده، عناصری که نشان از تعامل با شنونده دارند و غیره) انجام می پذیرد. به عنوان مثال هنگامی که حضرت علی(ع) در خطبه‌ی جهاد نهج البلاغه به تبیین ارزش جهاد در راه خدا می پردازد، چهار مورد از پنج بند ابتدایی خطبه را با آغازگر "الجهاد" شروع می کند: فان الجهاد باب من ابواب الجنة، فتحه الله لخاصه اولیائه، و هو لباس التقوی، و (هو) درع الله الحصینه، و (هو) جنته الوثیقه.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات و بحث

تحلیل متن خطبه نهج البلاغه براساس ساختار آغازگری/پایان بخشی نشان می دهد که این خطبه در مجموع از ۹۹ بند تشکیل شده و بیش از ۷۰ درصد آغازگر به کار رفته در آن از نوع مرکب است. آغازگر هنگامی مرکب خوانده می شود که همراه با آغازگر تجربی، به عنوان آغازگر اصلی، عناصر دیگری نیز وجود

1. Heavy Subject
2. Summative Theme
3. Evaluative Theme



داشته باشد که این عناصر یا از نوع آغازگر متنی و یا آغازگر بینافردی خواهند بود. در بیش از ۷۵ درصد از آغازگرهای مرکب، یک آغازگر متنی همراه با آغازگر تجربی استفاده شده و این نسبت برای آغازگر بینافردی حدود ۳۴ درصد می‌باشد. یعنی در ۵۵ مورد از کل ۷۳ مورد آغازگر مرکب این خطبه، قبل از آغازگر اصلی (تجربی) یک آغازگر متنی وجود داشته و در ۲۵ مورد از کل آغازگرهای مرکب، می‌توان یک آغازگر بینافردی را قبل از آغازگر تجربی یافت.

در ادامه در پی آنیم تا نشان دهیم چگونه انتخاب آغازگرها در متن خطبه بیست و هفتم نهج البلاغه باعث شده‌اند که این متن پیوستگی خوبی داشته باشد. همان‌طور که ذکر شد هلیدی چهار نقش را مرتبط با انتخاب آغازگر می‌دانست که به کمک هم پیوستگی را در متن به‌وجود می‌آورند. ذیلاً به تفکیک هر یک از نقش‌های مذکور در ارتباط با این خطبه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

<p><b>بند (۲) فتحه الله لخاصه اولیایه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: ساده</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>فتح</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ه الله لخاصه اولیایه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	فتح	فرانقش متنی	پایان بخش: ه الله لخاصه اولیایه	<p><b>بند (۱) فان الجهاد باب من ابواب الجنه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>ف ان الجهاد</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: باب من ابواب الجنه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)	بند از منظر	ف ان الجهاد	فرانقش متنی	پایان بخش: باب من ابواب الجنه
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	فتح												
فرانقش متنی	پایان بخش: ه الله لخاصه اولیایه												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	ف ان الجهاد												
فرانقش متنی	پایان بخش: باب من ابواب الجنه												
<p><b>بند (۴) و (هو کان) درع الله الحصینه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و (هو)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: (کان) درع الله الحصینه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (هو)	فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) درع الله الحصینه	<p><b>بند (۳) وهو (کان) لباس التقوی</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و هو</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: (کان) لباس التقوی</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و هو	فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) لباس التقوی
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (هو)												
فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) درع الله الحصینه												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و هو												
فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) لباس التقوی												
<p><b>بند (۶) فمن ترکه رغبه عنه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>ف من</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ترکه رغبه عنه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	ف من	فرانقش متنی	پایان بخش: ترکه رغبه عنه	<p><b>بند (۵) و (هو کان) جنته الوثیقه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و (هو)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: جنته الوثیقه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (هو)	فرانقش متنی	پایان بخش: جنته الوثیقه
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	ف من												
فرانقش متنی	پایان بخش: ترکه رغبه عنه												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (هو)												
فرانقش متنی	پایان بخش: جنته الوثیقه												
<p><b>بند (۸) و شمله البلاء</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و شمل</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ه البلاء</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و شمل	فرانقش متنی	پایان بخش: ه البلاء	<p><b>بند (۷) البسه الله ثوب الذل</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: ساده</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>البس</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ه الله ثوب الذل</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	البس	فرانقش متنی	پایان بخش: ه الله ثوب الذل
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و شمل												
فرانقش متنی	پایان بخش: ه البلاء												
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	البس												
فرانقش متنی	پایان بخش: ه الله ثوب الذل												
<p><b>بند (۱۰) و (دیث) والغماء ه</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و (دیث)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: القماء ه</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (دیث)	فرانقش متنی	پایان بخش: القماء ه	<p><b>بند (۹) و دیث بالصغار</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و دیث</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: بالصغار</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و دیث	فرانقش متنی	پایان بخش: بالصغار
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (دیث)												
فرانقش متنی	پایان بخش: القماء ه												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و دیث												
فرانقش متنی	پایان بخش: بالصغار												
<p><b>بند (۱۲) و ادیل الحق منه بتضییع الجهاد</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و ادیل</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: الحق منه بتضییع الجهاد</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و ادیل	فرانقش متنی	پایان بخش: الحق منه بتضییع الجهاد	<p><b>بند (۱۱) و ضرب علی قلبه بالاصحاب</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و ضرب</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: علی قلبه بالاصحاب</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و ضرب	فرانقش متنی	پایان بخش: علی قلبه بالاصحاب
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و ادیل												
فرانقش متنی	پایان بخش: الحق منه بتضییع الجهاد												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و ضرب												
فرانقش متنی	پایان بخش: علی قلبه بالاصحاب												

<b>بند (۱۴) و منع النصف</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر و منع فرانش متن پایان بخش: الخسف	<b>بند (۱۳) و سیم الخسف</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و سیم فرانش متن پایان بخش: الخسف
<b>بند (۱۶) وانی قد دعوتکم الی قتال هولاء القوم لیلا و نهارا و سرا و اعلانا</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) بند از منظر ان سی فرانش متن پایان بخش: قد دعوتکم الی قتال هولاء القوم لیلا و نهارا و سرا و اعلانا	<b>بند (۱۵) الا وائت اعلم هذه</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) ( و انت ) فرانش متن پایان بخش: (اعلم هذه)
<b>بند (۱۸) اغزوهم</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) از منظر و (انی) فرانش متن پایان بخش: قلت لکم	<b>بند (۱۷) و (انی) قلت لکم</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انی) فرانش متن پایان بخش: قلت لکم
<b>بند (۲۰) فوالله (انا اقسام بالله)</b> اجزاء اصلی آغازگر: ساده بند از منظر (انا) فرانش متن پایان بخش: (اقسم بالله)	<b>بند (۱۹) قبل ان یغزوکم</b> اجزاء اصلی آغازگر: ساده قبل فرانش متن پایان بخش: ان یغزوکم
<b>بند (۲۲) الا ذلوا</b> اجزاء اصلی آغازگر: ساده بند از منظر الا فرانش متن پایان بخش: ذلوا	<b>بند (۲۱) ماغزی قوم قط فی عقر دارهم</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) از منظر ما غزی فرانش متن پایان بخش: قوم قط فی عقر دارهم
<b>بند (۲۴) واتم تخاذلتم</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر و (اتم) فرانش متن پایان بخش: تخاذلتم	<b>بند (۲۳) ف(اتم) توکلتم</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) بند از منظر ف (اتم) فرانش متن پایان بخش: توکلتم
<b>بند (۲۶) و ملکت علیکم الاوطان</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر و ملکت فرانش متن پایان بخش: علیکم الاوطان	<b>بند (۲۵) حتی شنت علیکم الغارات</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر حتی شنت فرانش متن پایان بخش: علیکم الغارات
<b>بند (۲۸) و قد وردت خيله الانبار</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی) بند از منظر و قد وردت فرانش متن پایان بخش: خيله الانبار	<b>بند (۲۷) و هذا (کان) اخو غامد</b> اجزاء اصلی آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر و هذا فرانش متن پایان بخش: (کان) اخو غامد

<p><b>بند (۳۰) و (خیله) ازال خیلکم عن مسالحها</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+تجربی) و (خیله) پایان بخش: ازال خیلکم عن مسالحها</p>	<p><b>بند (۲۹) و (خیله) قد قتل حسان بن حسان البکری</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (خیله) پایان بخش: قد قتل حسان بن حسان البکری</p>
<p><b>بند (۳۲) ان الرجل منهم کان یدخل علی المراه المسلمه</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (بینافردی+ تجربی) ان الرجل منهم پایان بخش: کان یدخل علی المراه المسلمه</p>	<p><b>بند (۳۱) و لقد بلغنی</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+بینافردی+تجربی) و لقد بلغ پایان بخش: نی</p>
<p><b>بند (۳۴) فینتزع حجلها</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+تجربی) ف ینتزع پایان بخش: حجلها</p>	<p><b>بند (۳۳) و(ان الرجل منهم کان یدخل علی) الاخری المعاهده</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (بینافردی+تجربی) (ان الرجل منهم) پایان بخش: (کان یدخل علی) الاخری المعاهده</p>
<p><b>بند (۳۶) و(ینتزع) رعثها</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی +تجربی) و (ینتزع) پایان بخش: رعثها</p>	<p><b>بند (۳۵) و(ینتزع) قلائدها</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (ینتزع) پایان بخش: قلائدها</p>
<p><b>بند (۳۸) و(ما تمتنع منها الا) بالاسترحام</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+بینافردی+تجربی) و ما تمتنع پایان بخش: (منها الا)بالاسترحام</p>	<p><b>بند (۳۷) ما تمتنع منها الا بالاسترجاع</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (بینافردی+تجربی) ما تمتنع پایان بخش: منها الا بالاسترجاع</p>
<p><b>بند (۴۰) ما نال رجلا منهم کلم</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (بینافردی+تجربی) ما نال پایان بخش: رجلا منهم کلم</p>	<p><b>بند (۳۹) ثم انصرفوا وافرین</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: ساده ثم پایان بخش: انصرفوا وافرین</p>
<p><b>بند (۴۲) فلو ان امرا مسلما مات من یعد هذا اسفا</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+بینافردی+تجربی) فلو ان امرا مسلما پایان بخش: مات من یعد هذا اسفا</p>	<p><b>بند (۴۱) و لا اریق لهم دم</b></p> <p>اجزاء اصلی بند از منظر فرانقش متنی</p> <p>آغازگر: مرکب (متنی+بینافردی+تجربی) و لا اریق پایان بخش: لهم دم</p>

<b>بند (۴۴) بل کان به عندی جدیرا</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (بینافردی + متنی) بند از منظر   بل کان فرانش متن   پایان بخش: به عندی جدیرا	<b>بند (۴۳) ما کان به ملوما</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) بند از منظر   ما کان فرانش متن   پایان بخش: به ملوما
<b>بند (۴۶) و الله یمیت القلب</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و الله فرانش متن   پایان بخش: یمیت القلب	<b>بند (۴۵) فیا عجباً (فهذا کان عجیباً)</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) بند از منظر   ف (هذا) فرانش متن   پایان بخش: (کان) عجباً
<b>بند (۴۸) و انتم تفرقکم عن حقم</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و انتم فرانش متن   پایان بخش: تفرقکم عن حقم	<b>بند (۴۷) و الله یجلب الهم من اجتماع هولاء القوم</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و الله فرانش متن   پایان بخش: یجلب الهم من اجتماع هولاء القوم علی باطلهم
<b>بند (۵۰) و کان ترحا لکم</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و کان فرانش متن   پایان بخش: ترحا لکم	<b>بند (۴۹) کان قبحا لکم</b> اجزاء اصلی   آغازگر: ساده بند از منظر   کان فرانش متن   پایان بخش: قبحا لکم
<b>بند (۵۲) یغار علیکم</b> اجزاء اصلی   آغازگر: ساده بند از منظر   یغار فرانش متن   پایان بخش: علیکم	<b>بند (۵۱) حین صرتم غرضاً یرمی</b> اجزاء اصلی   آغازگر: ساده بند از منظر   حین فرانش متن   پایان بخش: صرتم غرضاً یرمی
<b>بند (۵۴) و هم تغزون</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و هم فرانش متن   پایان بخش: تغزون	<b>بند (۵۳) و انتم لا تغیرون</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و انتم فرانش متن   پایان بخش: لا تغیرون
<b>بند (۵۶) و هم یعصی الله</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و هم فرانش متن   پایان بخش: یعصی الله	<b>بند (۵۵) و انتم لا تغزون</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و انتم فرانش متن   پایان بخش: لا تغزون
<b>بند (۵۸) فاذا امرتکم بالسیر الیهم فی ایام الحر</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   فاذا فرانش متن   پایان بخش: امرتکم بالسیر الیهم فی ایام الحر	<b>بند (۵۷) و انتم ترضون</b> اجزاء اصلی   آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) بند از منظر   و انتم فرانش متن   پایان بخش: ترضون

<b>بند (۶۰): هذه (كان) حماره القیظ</b>	<b>بند (۵۹): انتم) قلتم</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>هذه</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (كان) حماره اقیظ</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	هذه	فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) حماره اقیظ	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>انتم</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: قلتم</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	انتم	فرانقش متنی	پایان بخش: قلتم
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	هذه												
فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) حماره اقیظ												
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	انتم												
فرانقش متنی	پایان بخش: قلتم												
<b>بند (۶۲): یسیخ عنا الحر</b>	<b>بند (۶۱): انت) امهلنا</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>یسخ</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: عنا الحر</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	یسخ	فرانقش متنی	پایان بخش: عنا الحر	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>(انت)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: امهلنا</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	(انت)	فرانقش متنی	پایان بخش: امهلنا
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	یسخ												
فرانقش متنی	پایان بخش: عنا الحر												
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	(انت)												
فرانقش متنی	پایان بخش: امهلنا												
<b>بند (۶۴): انتم) قلتم</b>	<b>بند (۶۳): و اذا امرتکم بالسیر الیهیم فی الشتاء</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>انتم</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: قلتم</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	انتم	فرانقش متنی	پایان بخش: قلتم	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>و اذا</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: امرتکم بالسیر علیهم فی الشتاء</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و اذا	فرانقش متنی	پایان بخش: امرتکم بالسیر علیهم فی الشتاء
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	انتم												
فرانقش متنی	پایان بخش: قلتم												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و اذا												
فرانقش متنی	پایان بخش: امرتکم بالسیر علیهم فی الشتاء												
<b>بند (۶۶): انت) امهلنا</b>	<b>بند (۶۵): هذه (كان) صباره القر</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>(انت)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: امهلنا</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	(انت)	فرانقش متنی	پایان بخش: امهلنا	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>بند</td></tr> <tr><td>از منظر</td><td>هذه</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (كان) صباره القر</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	بند	از منظر	هذه	فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) صباره القر
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	(انت)												
فرانقش متنی	پایان بخش: امهلنا												
اجزاء اصلی	بند												
از منظر	هذه												
فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) صباره القر												
<b>بند (۶۸): کل هذا (كان) فرار من الحر</b>	<b>بند (۶۷): ینسلخ عنا البرد</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>کل هذا</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: فرار من الحر</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	کل هذا	فرانقش متنی	پایان بخش: فرار من الحر	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>ینسلخ</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: عنا البرد</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	ینسلخ	فرانقش متنی	پایان بخش: عنا البرد
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	کل هذا												
فرانقش متنی	پایان بخش: فرار من الحر												
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	ینسلخ												
فرانقش متنی	پایان بخش: عنا البرد												
<b>بند (۷۰): فاذا کنتم من الحر و القر تفرون</b>	<b>بند (۶۹): و (کل هذا) کان فرار من) القر</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>ف اذا</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: کنتم من الحر و القر تفرون</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)	بند از منظر	ف اذا	فرانقش متنی	پایان بخش: کنتم من الحر و القر تفرون	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>و (کل هذا)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (هذا) کان فرار من) القر</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (کل هذا)	فرانقش متنی	پایان بخش: (هذا) کان فرار من) القر
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	ف اذا												
فرانقش متنی	پایان بخش: کنتم من الحر و القر تفرون												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (کل هذا)												
فرانقش متنی	پایان بخش: (هذا) کان فرار من) القر												
<b>بند (۷۲): والله (انا اقسام بالله)</b>	<b>بند (۷۱): فانتهم (كان) من السیف افر</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: ساده</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>(انا)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (اقسم بالله)</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: ساده	بند از منظر	(انا)	فرانقش متنی	پایان بخش: (اقسم بالله)	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>ف انتم</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (كان) من السیف افر</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)	بند از منظر	ف انتم	فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) من السیف افر
اجزاء اصلی	آغازگر: ساده												
بند از منظر	(انا)												
فرانقش متنی	پایان بخش: (اقسم بالله)												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	ف انتم												
فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) من السیف افر												
<b>بند (۷۴): و (انتم کان) لارجال</b>	<b>بند (۷۳) یا (انتم کان) اشباه الرجال</b>												
<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td></tr> <tr><td>بند از منظر</td><td>و (انتم)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>پایان بخش: (كان) لارجال</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (انتم)	فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) لارجال	<table border="1"> <tr><td>اجزاء اصلی</td><td>بند</td></tr> <tr><td>از منظر</td><td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td></tr> <tr><td>فرانقش متنی</td><td>یا (انتم) (كان) اشباه الرجال</td></tr> </table>	اجزاء اصلی	بند	از منظر	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	فرانقش متنی	یا (انتم) (كان) اشباه الرجال
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (انتم)												
فرانقش متنی	پایان بخش: (كان) لارجال												
اجزاء اصلی	بند												
از منظر	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
فرانقش متنی	یا (انتم) (كان) اشباه الرجال												

<b>بند (۷۶): و (انتم کان) عقول رباب الجحال</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انتم) پایان بخش: (کان) عقول رباب الجحال	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۷۵): (انتم کان) حلوم الاطفال</b> آغازگر: ساده (انتم) پایان بخش: (کان) حلوم الاطفال	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۷۸): انی لم ارکم</b> آغازگر: ساده انی پایان بخش: لم ارکم	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۷۷): لوددت انی</b> آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) ل و ددت پایان بخش: بند بعدی	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۸۰): واللہ (انا اقسام باللہ)</b> آغازگر: ساده (انا) پایان بخش: (انا اقسام باللہ)	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۷۹): و (انی) لم اعرفکم</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انی) پایان بخش: لم اعرفکم	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۸۲): و (معرفة) اعقبت سدما</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (معرفة) پایان بخش: اعقبت سدما	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۸۱): معرفة جرت ندما</b> آغازگر: ساده معرفة پایان بخش: جرت ندما	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۸۴): لقد (انتم) ملات قلبی قیحا</b> آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) لقد (انتم) پایان بخش: ملات قلبی قیحا	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۸۳): قاتلکم اللہ</b> آغازگر: ساده قاتل پایان بخش: کم اللہ	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۸۶): و (انتم) جرعتمونی نعب التهمام نفاسا</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انتم) پایان بخش: جرعتمونی نعب التهمام نفاسا	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۸۵): و (انتم) شحنتم صدری قیظا</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انتم) پایان بخش: شحنتم صدری قیظا	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۸۸): و (انتم) افسدتم علی رایب (با) الخذلان</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انتم) پایان بخش: (افسدتم علی رایب (با) الخذلان)	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۸۷): و (انتم) افسدتم علی رایب بالعصیان</b> آغازگر: مرکب (متنی + تجربی) و (انتم) پایان بخش: افسدتم علی رایب بالعصیان	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن
<b>بند (۹۰): ان ابن ابی طالب (کان) رجل شجاع</b> آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی) ان ابن ابی طالب پایان بخش: (کان) رجل شجاع	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن	<b>بند (۸۹): حتی لقد قالت قریش</b> آغازگر: ساده حتی پایان بخش: لقد قالت القریش	اجزاء اصلی بند از منظر فرانش متن

<p><b>بند (۹۲): (کان) الله ابوهي</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و لکن (کان)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: لا علم له بالحرب</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و لکن (کان)	فرانقش متنی	پایان بخش: لا علم له بالحرب	<p><b>بند (۹۱): ولکن (کان) لا علم له بالحرب</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و لکن (کان)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: لا علم له بالحرب</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و لکن (کان)	فرانقش متنی	پایان بخش: لا علم له بالحرب
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و لکن (کان)												
فرانقش متنی	پایان بخش: لا علم له بالحرب												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و لکن (کان)												
فرانقش متنی	پایان بخش: لا علم له بالحرب												
<p><b>بند (۹۴): و (هل احد منهم) (کان) اقدم فيهما</b></p> <p><b>مقاما مني</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و (هل) (احد منهم)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: (کان) اقدم فيهما مقاماً مني</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)	بند از منظر	و (هل) (احد منهم)	فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) اقدم فيهما مقاماً مني	<p><b>بند (۹۳): و هل احد منهم (کان) اشد لها مراسا</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و هل احد منهم</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: (کان) اشد لها مراسا</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)	بند از منظر	و هل احد منهم	فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) اشد لها مراسا
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	و (هل) (احد منهم)												
فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) اقدم فيهما مقاماً مني												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	و هل احد منهم												
فرانقش متنی	پایان بخش: (کان) اشد لها مراسا												
<p><b>بند (۹۶): و (انا) ما بلغت العشرين</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و (انا)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ما بلغت العشرين</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و (انا)	فرانقش متنی	پایان بخش: ما بلغت العشرين	<p><b>بند (۹۵): لقد (انا) نهضت فيها</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>لقد (انا)</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: نهضت فيها</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)	بند از منظر	لقد (انا)	فرانقش متنی	پایان بخش: نهضت فيها
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و (انا)												
فرانقش متنی	پایان بخش: ما بلغت العشرين												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	لقد (انا)												
فرانقش متنی	پایان بخش: نهضت فيها												
<p><b>بند (۹۸): و لکن (کان) لا رای</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و لکن</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: لا رای</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)	بند از منظر	و لکن	فرانقش متنی	پایان بخش: لا رای	<p><b>بند (۹۷): و ها انا ذا قد ذرفت علی الستین</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>و ها انا</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: ذا قد ذرفت علی الستین</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)	بند از منظر	و ها انا	فرانقش متنی	پایان بخش: ذا قد ذرفت علی الستین
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + تجربی)												
بند از منظر	و لکن												
فرانقش متنی	پایان بخش: لا رای												
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (متنی + بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	و ها انا												
فرانقش متنی	پایان بخش: ذا قد ذرفت علی الستین												
	<p><b>بند (۹۹): لمن لا يطاع</b></p> <table border="1"> <tr> <td>اجزاء اصلی</td> <td>آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)</td> </tr> <tr> <td>بند از منظر</td> <td>ل من</td> </tr> <tr> <td>فرانقش متنی</td> <td>پایان بخش: لا يطاع</td> </tr> </table>	اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)	بند از منظر	ل من	فرانقش متنی	پایان بخش: لا يطاع						
اجزاء اصلی	آغازگر: مرکب (بینافردی + تجربی)												
بند از منظر	ل من												
فرانقش متنی	پایان بخش: لا يطاع												

### نقش انتخاب آغازگر در حفظ و امتداد موضوع

در این خطبه موارد زیادی از حفظ و امتداد موضوع براساس انتخاب آغازگر به چشم می‌خورد. در بندهای ۱، ۳، ۴، ۵ "جهاد" (ویا ضمیری از آن) به صورت آشکار یا محذوف آغازگر بند است و این نشان‌دهنده ارزش و اهمیت جهاد در دید گوینده کلام می‌باشد. بند ۹ و ۱۰ نیز آغازگر "و دیت" را به اشتراک دارند. "و انی" نیز آغازگر مشترک بندهای ۱۶ و ۱۷ است. آغازگر مرکب "ان الرجل منهم"، نیز مشترک بین بندهای ۳۲ و ۳۳ می‌باشد. بندهای ۳۴، ۳۵ و ۳۶ نیز حفظ آغازگر "یتزع" را داشته و "ماتمتع" که آغازگر بند ۳۷ است به‌طور محذوف در بند ۳۸ نیز حفظ می‌شود. حفظ آغازگر به همین منوال بین بندهای ۴۷ و ۴۸ (والله)، ۴۹ و ۵۰ (فعل محذوف کان) و ۶۸ و ۶۹ (کل هذا) اتفاق می‌افتد. بین بندهای ۷۴ تا ۷۶ استفاده از آغازگر یکسان "انتم" حفظ موضوع توصیف مردم کوفه را از زبان حضرت علی (ع) باعث می‌شود.

در بندهای ۸۱ و ۸۲ "معرفه" آغازگر ساده مشترک است. بندهای ۸۴ الی ۸۸ که به موضوع دل آزردهگی امیرمؤمنان(ع) از مردمش پرداخته، آغازگر "انتم" را به اشتراک داشته که چه به تنهایی به شکل آغازگر ساده و یا همراه با عناصرمتنی یا بینافردی دیگر و به شکل آغازگر مرکب، استفاده شده است. در قسمت پایانی این خطبه نیز آغازگر مرکب و سنگین "و هل احد منهم" بین بندهای ۹۳ و ۹۴ حفظ شده و بالاخره تکرار آغازگر "انا" در بندهای ۹۵، ۹۶ و ۹۷ به حفظ موضوع -شرایط سنی و توان نظامی حضرت علی(ع)- انجامیده است.

بسط موضوع که در آن جزیی از پایان بخش یک بند در بند(های) دیگر، در جایگاه آغازگر قرار می‌گیرد، نیز در مواردی از این خطبه اتفاق افتاده است. "خیله" که در بند ۲۸ جزیی از پایان بخش است، آغازگر بندهای ۲۹ و ۳۰ واقع شده و در بند ۵۲ "کم" که به صورت ضمیر متصل به علیکم و در پایان بخش بند آمده، در بند بعدی به صورت ضمیر محذوف "انتم" قابل استنباط است. نمونه‌ی دیگری از بسط را می‌توان بین بندهای ۷۷ و ۷۸ دید که در آن "انی" در پایان بخش بند ۷۷ به عنوان آغازگر دو بند بعدی قابل استنباط است.

آنچه به زیبایی و پیوستگی بیشتر این متن افزوده جابه‌جایی پایان بخش و آغازگر به طور منظم و براساس الگوی یکسان در جاهایی از این خطبه است. به عنوان مثال آغازگر و پایان بخش بندهای ۵۳ تا ۵۷ به طور منظم و یک در میان بین "انتم" و "هم" جابه‌جا می‌شود؛ به طوری که بندهای ۵۳، ۵۵ و ۵۷ آغازگر "انتم" و بندهای ۵۴ و ۵۶ آغازگر "هم" دارند.

یک الگوی انتخاب آغازگر که از بند ۵۸ تا ۶۲ استفاده شده است به طور قرینه در بندهای ۶۳ تا ۶۷ تکرار شده تا زیبایی ویژه‌ای را باعث شده باشد:

فاذا امرتکم بالسیر الیهم فی ایام الحر (انتم) قلتم هذه (کان) حماره القیظ (انت) امهلنا یسیخ عنا الحر.

واذا امرتکم بالسیر الیهم فی الشتاء (انتم) قلتم هذه (کان) صباره القر (انت) امهلنا ینسلخ عنا البرد.

این نوع کاربرد آغازگر و تکرار آن در بندهای متوالی، منجر به همبستگی و انسجام متن خطبه بیست و هفتم نهج البلاغه شده که از زبان یکی از بزرگ‌ترین سخنوران عالم جاری شده است.

### تعیین و یا تغییر چهارچوب برای تفسیر بند(های) بعدی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد؛ تعیین و یا تغییر چهارچوب که با استفاده از آغازگر نشاندار به شکل ادات، ساختار آغازگری بندهای شبه‌اسنادی، ساختار آغازگری بندهای اسنادی شده و یا با کاربرد فاعل سنگین اتفاق می‌افتد، تفسیر بند و یا بندهای بعدی را باعث شده و به ایجاد پیوستگی در متن کمک می‌کند. استفاده از قید زمان به عنوان آغازگر نشاندار در چند بند این خطبه به خوبی این نقش را بازی می‌کند. در بند ۲۵ "حتی" تفسیر بندی را نشان می‌دهد که نتیجه پیام دو بند قبلی است: فد(انتم) تو اکتلم و (انتم)



تخاذلتهم حتی شنت علیکم الغارات، و ملکت علیکم الاوطان (کوفیان سستی به خرج دادند و خواری و ذلت را پذیرفتند که این کار منجر به حمله پی در پی دشمن و از دست رفتن سرزمین آنها شد).

بند ۳۹ نیز با آغازگر "ثم" شروع شده و بین مراحل مختلف رخدادها حمله لشکریان معاویه به شهر انبار و نتایج آن ارتباط زمانی برقرار می‌کند. به عبارت دیگر از بند ۲۵ که اولین بار از حمله سپاه معاویه نام می‌برد و سپس اتفاقاتی که در بندهای بعدی - ورود به شهر انبار، قتل حسان بن حسان و ... (دستی ۱۳۸۱: ۷۵) - می‌افتد، نهایتاً آغازگر نشاندار "ثم" در بند ۳۹ پایان این اتفاقات را اعلام کرده و بین این بخش و بخش بعدی که شرایط سپاهیان معاویه را بعد از حمله تبیین می‌کند ارتباط برقرار می‌کند.

"فاذا" در بند ۵۸ که با اندکی تغییر به صورت "واذا" در بند ۶۳ به کار رفته است، آغازگر نشاندار و مرکبی است که در واقع در یک چرخه از آغازگرها در دو مرحله به زیبایی تکرار شده است. این آغازگر در ابتدای هر مرحله شروع فرایندی را باعث شده است که ارتباط سلسله‌وار بین ۵ بند هر مرحله و همین‌طور ارتباط دو مرحله با همدیگر را مشخص می‌نماید. به گفته دیگر انتخاب این آغازگر تفسیر بندهای بعد از آن و در نهایت پیوستگی متن را باعث شده است. این آغازگر در بند ۷۰ نیز تکرار شده و علاوه بر آن کلمات "الحر" و "القر" که هر کدام در یکی از مراحل قبلی واژه اصلی بوده‌اند نیز در جزء پایان بخش این بند هستند، لذا ارتباط آن با مراحل قبلی به راحتی مشخص شده و در واقع آغازگر "فاذا" باعث می‌شود که بند ۷۰ و دو بند دیگر بعد از آن به عنوان نتیجه دو مرحله قبلی تفسیر شوند.

نمونه‌های دیگر از کاربرد این نوع آغازگرها را می‌توان در بندهای ۸۹ با آغازگر "حتی" و بند ۹۱ با آغازگر "ولکن" دید. حضرت علی پس از نفرین قوم خویش در بند ۸۳ به بیان درد دل‌های خود از این قوم در چند بند پرداخته و جمع‌بندی و نتیجه آنها را با استفاده از آغازگر "حتی" و "ولکن" به تفسیر بندهای بعدی (۹۰ و ۹۱) مرتبط کرده است.

کاربرد فاعل سنگین، که در آن نقش فاعل در بیش از یک کلمه (یک عبارت و حتی یک بند) تسری می‌یابد، را نیز می‌توان در سه بند این خطبه یافت. ابتدا "فلو ان امرا مسلما" در بند ۴۲ فاعل سنگین در جایگاه آغازگر است و سپس "هل اعدمهم" در بندهای ۹۳ و ۹۴ در ساختاری مشابه به کار رفته است. در بندهای قبل از بند ۴۲ و از شروع بخش دوم خطبه اتفاقات و رخدادهایی بیان می‌شوند که حضرت علی(ع) در این بند با به‌کاربردن این نوع آغازگر دیدگاه خود در مورد این اتفاقات شوم - یعنی بهتر بودن مرگ مرد مسلمان بعد از دیدن این رخدادها - را تبیین می‌کند. در دو بند ۹۴ و ۹۵ نیز آغازگر "هل اعدمهم" در واقع فراخوانی رقیب از سوی حضرت علی(ع) در داشتن مقام بالاتر و تجارب جنگی بیشتر است که استفاده از این نوع ساختار، نبود رقیب برای ایشان در این زمینه‌ها را القا می‌کند.

### مشخص کردن مرز قسمت‌های مختلف متن

نقش دیگری که به انتخاب آغازگر به‌منظور ایجاد پیوستگی متنی بیشتر مرتبط است، مشخص کردن مرز قسمت‌های مختلف متن به‌وسیله آن است. استفاده از آغازگرهای جمع‌بندی‌کننده به‌همراه آغازگرهای ارزیابی‌کننده و آغازگرهای تغییردهنده چهارچوب می‌توانند این نقش را ایفاکنند.

مرزبندی مطلب در این خطبه، در سه بخش مجزا با موضوعات متفاوت به‌طور آشکار انجام پذیرفته و شروع بخش دوم و سوم نه تنها با آغازگرهای خاص بلکه با بندهایی خاص می‌باشد. در ابتدای بخش دوم یک بند دعایی "الا" استفاده شده است که مفهوم هشدار داشته و بخش سوم نیز با یک بند تعجبی کوفیان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آغازگر متنی آن حرف ندای "یا" و فاعل محذوف "انتم" نیز آغازگر اصلی (تجربی) آن می‌باشد. استفاده از این نوع بند برای نشان دادن مرزبندی پیام‌ها در جاهای دیگری از متن نیز به چشم می‌خورد: بند ۲۰ (فوالله)، بند ۲۶ (فیا عجبا) و بند ۷۲ (والله).

در بند ۲۵ و ۸۹ آغازگر "حتی" در مفهوم یک آغازگر جمع‌کننده، تغییر صحنه و مرحله بند ۱ پیام را باعث شده است. مشابه این نقش را آغازگر "فلو ان امرا مسلما" در بند ۴۳ و آغازگر "فاذا" در بندهای ۵۹ و ۶۴ و ۷۰ بازی می‌کنند. یعنی مجموعه رخدادها و اتفاقات چند بند قبلی با استفاده از این نوع آغازگر نتیجه‌گیری و جمع‌بندی شده‌اند. در بندهای ۶۸ و ۶۹ "کل هذا" نیز به‌عنوان آغازگر جمع‌بندی‌کننده، نشان از پایان دادن به موضوع بهانه‌گیری کوفیان از نرفتن به جهاد و ورود به بخش دیگر خطبه دارد. آغازگر "ف" در بندهای ۱ و ۶ و ۵۰ به‌عنوان آغازگر متنی نیز می‌تواند نشان از شروع مرحله جدیدی از پیام متن باشد.

### انتخاب آغازگر به‌عنوان نقطه شروع ماندگار، مفید و مهم

مورد آخر در انتخاب آغازگر به‌منظور کمک به پیوستگی بیشتر متن، پرتنگ کردن چیزی است که از نظر نویسنده می‌تواند یک نقطه شروع ماندگار، مفید و مهم باشد. این کار با استفاده مکرر از برخی آغازگرها (یک مشارک خاص، ارزیابی نویسنده و عناصری که نشان از تعامل با شنونده دارد و...) انجام می‌پذیرد. در بخش اول خطبه و در بندهای ۱، ۳، ۴ و ۵ جهاد به‌عنوان آغازگر اصلی تکرار شده است و در بند ۷ تا پایان بخش اول، در هفت بند متوالی هر چند یک آغازگر خاص تکرار نشده است ولی آغازگرها، افعال امری و متوازی هستند که هماهنگی خاصی را باعث شده و به‌زیبایی متن می‌افزاید. این نوع تکرار و توازن آغازگر بین بندهای ۲۳ و ۲۴ و بین بند ۲۸ و ۲۹ نیز ملموس است.

"ان الرجل منهم" به‌عنوان یک مشارک، آغاز مشترک بندهای ۳۲ و ۳۳ بوده و نقطه شروع پیام و رخدادی است که حاکی از جنایت است. تکرار آغازگر "فیتتزع" در چهار بند متوالی - بند ۳۴ تا ۳۷ -

تأکیدی بر پیام این بندها که فضایی از نزاع را باعث می‌شود دارد. در چند مورد از بندهای این خطبه "الله" به‌عنوان آغازگر تکرار شده است، مثلاً بند ۴۷ و ۴۸، اما پربسامدترین آغازگر در کل خطبه آغازگری است که ارجاع آن طرف مخاطب حضرت علی(ع)، یعنی مردم کوفه می‌باشد. این آغازگر که ۱۸ بار (به‌صورت آشکار و یا محذوف) و عمدتاً با ضمیر "انتم" استفاده شده است نشان از نقش اصلی این مشارک در کلیت این خطبه دارد. آغازگر پربسامد دیگر به‌گزینه خطبه- حضرت علی(ع)- ارجاع دارد که جمعاً ۸ مورد و در قالب ضمائر "انی" و "انت" و یا "ابن‌ابی‌طالب" ظاهر شده است.

### نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از یافته‌های علم زبانشناسی برای فهم بهتر نهج‌البلاغه می‌تواند زمینه تحقیقات فراوانی برای پژوهشگران باشد. نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی که نگاه تحلیلی به متن دارد می‌تواند در دستیابی به برخی مفاهیم که شاید برای محققان و مفسرانی که از روش‌های معمول در مطالعات خود استفاده کرده‌اند ناشناخته باقی مانده است، کمک‌کننده باشد. بر این اساس، بررسی یکی از جنبه‌های فرانش متنی دستور نظام‌مند نقش‌گرا در خطبه بیست و هفتم نهج‌البلاغه نشان داد نقش‌هایی را که هلیدی در دستور نقش‌گرا، دلیل انتخاب آغازگر می‌داند، در متن خطبه جهاد نهج‌البلاغه نیز قابل بررسی می‌نماید. تحلیل ۹۹ بند خطبه‌ی جهاد نهج‌البلاغه نشان داد که آغازگر مرکب شکل غالب به‌کار رفته در این متن می‌باشد. حفظ و امتداد موضوع براساس نوع به‌کارگیری آغازگر در خطبه‌ی جهاد نهج‌البلاغه در بیش از ۲۰ مورد، در جاهایی که لازم می‌نموده است، اتفاق افتاده که به انسجام و پیوستگی متن انجامیده است. در قریب به ۱۰ مورد نیز به‌کارگیری آغازگری خاص، زمینه فهم و تفسیر بند یا بندهای بعدی را فراهم نموده است. نقش برخی آغازگرها نیز در مشخص کردن مرز بخش‌های مختلف خطبه و حرکت از یک موضوع به موضوع دیگر بارز می‌باشد؛ استفاده از بندهای دعایی برای این منظور در چند جای این خطبه را می‌توان ویژگی اختصاصی این متن دانست. به‌علاوه، مشخص شد حضرت علی(ع) در این خطبه در برخی از بندها (حداقل ۶ مورد)، از آغازگری استفاده کرده که از دید ایشان می‌توانسته است نقطه شروعی ماندگار، مفید و مهم از پیام باشد که امیرالمؤمنین(ع) با پررنگ کردن این آغازگرها، شنونده را متوجه اهمیت آنها نموده است.

این مطالعه دلیلی بر این واقعیت است که حضرت علی(ع) بر ساختار زبانی اشراف کامل داشته و با چینش درست و زیبایی عناصر آن به خوبی متنی منسجم را خلق کرده تا تأثیر لازم را بر مخاطب بگذارد. به هر حال، آنچه در این بررسی انجام گرفت محدود به یک جنبه از یکی از فرانش‌های مدنظر در دستور نقش‌گرا بود؛ این امر می‌تواند زمینه‌ای برای به‌کار بستن سایر جنبه‌های این نظریه و نظریات دیگر علم زبان‌شناسی در این باب باشد. می‌توان امیدوار بود که نگاه علمی به نهج‌البلاغه بتواند درپچه‌ای جدید به دنیای پرمعنا و مفهوم این منبع گرانقدر باز کند.

## منابع

- سیدی، سیدحسین (۱۳۸۷)، رویکرد زبانشناختی به نحو عربی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مهاجر، مهرا و نبوی، محمد (۱۳۷۶)، به سوی زبانشناسی شعر، رهیافتی نقش گرا، تهران: نشر مرکز.
- ابوالحسنی، زهرا و میرمالک ثانی، مریم‌السادات (۱۳۸۷)، بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیردرسی، معرفی یک پایان‌نامه، سخن سمت، شماره ۲۰.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۷)، تفسیر زبانشناختی سوره عصر، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره پیاپی ۸۱/۳.
- امینی، رضا (۱۳۹۲)، تحولات معنایی و ساخت اطلاعی آغازگرهای اسنادی شده در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، فصلنامه جستارهای زبانی، شماره ۴ (پیاپی ۱۶).
- اوسط ابراهیمی، علی (۱۳۷۹)، علوم بلاغت در نهج‌البلاغه، فرهنگ ۳۳-۳۶.
- ایشانی، طاهره و نعمتی‌قزوینی، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی پیوستگی و انسجام متنی در سوره‌ی صف با رویکرد زبانشناسی نقش‌گرا، مجله انجمن ایرانی و ادبیات عربی، شماره ۲۷.
- بهنام، بیوک (۱۳۷۲)، جایگاه ادبی نهج‌البلاغه، تحلیل زبانشناختی گزیده‌هایی از کلام حضرت علی(ع)، مقالات و بررسی‌ها دانشگاه شیراز، شماره ۷۲.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و عرب‌زوزنی محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی آغازگر نشاندار و بی‌نشان در کتب زبان انگلیسی مقطع متوسطه در ایران، براساس رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، جستارهای زبانی، نسخه الکترونیکی.
- حری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، کارکرد تصریف در دو سوره قانی ناظر به داستان آفرینش در پرتو فراکرد متنی هلیدی. پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره ۵۵.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۱)، صنایع ادبی در نهج‌البلاغه، گلستان قرآن ویژه‌نامه امام علی(ع)، شماره ۱۰.
- رستم‌بیک تفرشی، آنوسا و اسوکالیی، احمد (۱۳۹۰)، توصیف انواع آغازگر در بیان نوشتاری دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مقاطع مختلف شهر تهران بر مبنای فرانش متنی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، فصلنامه ایرانی کودکان استثنایی، سال یازدهم، شماره ۳.
- عاصی، مصطفی و نوبخت، محسن (۱۳۹۰)، تحلیل سبک شناختی شعر اخوان (آن‌گاه پس از تندر)؛ رویکردی نقش‌گرا، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۴)، نهج‌البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- فالر، راجر (۱۳۸۱)، بررسی ادبیات به منزله زبان، راجر فالر و دیگران، زبانشناسی و نقد ادبی، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، ویراست دوم، تهران: نشر نی.
- کاظمی، فروغ و افراشی، آریتا (۱۳۹۲)، نشاننداری آغازگر در زبان فارسی و انگلیسی براساس رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، فصلنامه جستارهای زبانی، ش ۱ (پیاپی ۱۳).
- مسبوق، سیدمهدی و بیات، حسین (۱۳۹۱)، روابط بینامتنی قرآن و نامه سی‌ویکم نهج‌البلاغه، بهار، شماره ۱۱۴.

- Halliday, M. A. K. (1985), *An Introduction to Functional Grammar*. Edward Arnold. Ltd.
- Halliday, M. A. K. (1994), Second edition, *An Introduction to Functional Grammar*. London. Melbourne and Auckland. Edward Arnold. Ltd.
- Halliday, M. A. K. and Hassan, R. (1976), *Cohesion in English*. London. Longman.
- Thompson, G. (1996), *Introducing Functional Grammar*. London. Arnold.